

<http://dowran.ir/show.php?id=83828488>

افکار مدرس يك قرن پيشتازتر از او بود

در برگي از يادداشتهاي مدرس مي‌خوانيم
بزرگان و برگزیدگان جهان، تا زنده‌اند غريب و تنهائيند ولي بعد از مرگ آنان همه ادعا مي‌کنند، که آشنا، هم سخن و هم فکرشان بوده‌اند. 1
مدرس در زمان حيات خود، اين تنهائي و غريبت را کاملاً احساس نموده و در بسياري از موارد نيز به آن اشاره کرده است. در سفر اصفهان که يکي از سفرهاي تاريخي اوست بيدارکنندگان خود در مدرسه چهارباغ که همه از علما و مشاهير آن ديارد مي‌گويد
شما مرا، نه علي (ع) مي‌دانيد که به حکم وظيفه و اعتقاد خود همراهي و ياريم کنيد و نه عمر که براي صلاح و مصلحت روزگار تنهائيم نگذاريد. 2
مدرس به خوبي آگاه است که در ميان جامعه‌ي زمان خود، عقیده و کلامش غريب و ناشناخته است، تاريخ هم اين تنهائي و غريبت را در تمام زندگي او مي‌شناسد، اينک مي‌گوئيم مدرس در تمام دوران حيات خود به معنی واقعي غريب و تنها است. بدین معنی نيست که کسي او را از لحاظ ظاهري نمي‌شناسد، او در زندگي دنياي به تمام معني مشهور و معروف است، شهرت جهاني دارد ولي اين شهرت دليلي بر اين نيست که او را مي‌شناخته‌اند و به خاطر همين شناخت معروفيت يافته است جامعه‌اي که در آن روزگار مدرس را مي‌شناخت و گرامي‌اش مي‌داشت براي اين بود که قهرماني رشيد و فداکار در جريان مبارزه با ديکتاتوري رضاخان در ميان آن همه سکوت و ارباب يافته بود، در نظر آنان مدرس تنها سياستمداري بود که با حريف قوي پنجه‌اي يک‌پرده مي‌نمود که سياست و سپاه امپراطوري نيرومندي پشتيبان او بود، در حالي که به خوبي مي‌دانيم وجود مدرس و نيروي فعاله شگفت‌انگيز او در همين يك بعد خلاصه نمي‌شود، تکفرد او در زمينه سياست دروازه‌هاي تاريخ را بر روي او گشود و او را وارد دنياي جاودانگي‌ها نمود و اين خود موجب آن شد که توانائيهاي منحصر به فرد و وسعت ديدار و در ابعاد ديگر زندگيش تحت‌الشعاع فعاليتهاي سياسي او قرار گيرد
مرد سياسي بايد جامعيت داشته باشد جامعيت در علمي که من حيث‌المجموع بتواند دنياي موجود را بشناسد و يك قرن جلوتر از خود به پيش رود. 3
مدرس سياست را علم مي‌داند و آن را از علوم نظري مي‌پندارد براي عقیده و نظر هر کس هم ارج و ارزش خاص همان نظر قائل است ولي اعتقاد دارد در کار سياست واپسنگري و محدود بودن اندیشه و تفکر سياسي در چهار ديوار محيط خویش و مقطع زماني مشخص تنگ‌نظري سياسي را مي‌نمايند چنان به نظر مي‌رسد که مدرس اعتقاد دارد سياستمداري که تا يك قرن بعد از خود را مورد توجه قرار مي‌دهد و فعل و انفعالات آن را در نظر مي‌گيرد :در علم سياست جامعيت دارد اگر مي‌گويد
امروز در مملکت شما من هيچ دماغي را سراغ ندارم که در سياست بالاتر و قوي‌تر از خودم باشد. 4
ناظر بر همين جريان دقيق فکري او است. براي تفهيم بيشتر فلسفه سياسي خود در يکي از نطق‌هاي خویش براي :مجلسيان که درک سخن و نظراتش براي‌شان مشکل است به سادگي بيان مي‌دارد
اگر کاري را بدون تحقيق و از روي شبهه دولت و وزراء انجام دادند، نه تنها ضرر اساسي براي ما دارد بلکه ضرر کلي براي استقلال و آزادي اولادان ما تا پنجهزار سال بعد دارد. 5
وسعت نظر و ديد مدرس از زمان خود چنان نورآسا مي‌گذرد که در اندیشه استقلال و آزادي نسلهائي است که تا پنجهزار سال بعد قدم به عرصه وجود مي‌گذارند، او تنها نسبت به نسل زمان خود احساس مسئوليت نمي‌کند بلکه بار سنگين و توانفرساي دفاع از حقوق فردي و اجتماعي اولادان پنج قرن بعد سرزمين‌ها را به دوش دارد، درک عمق و ژرفاي حيرت‌انگيز سخن او براي مجلسيان که رضاخان را پدر ملت و قهرمان نجات کشور مي‌دانند و در حقيقت شعاع ديدشان به انتهاي بيني آنان نرسیده کور مي‌شود، نه تنها مشکل است بلکه مطلقاً باور نکردني است و غريبت و تنهائي او هم پديده همين تفاوت و شکاف بي‌انتهائي است که ما بين او همکاران و اقرانش وجود داد. بسيارند کساني که در ميان جمعند ولي در حقيقت تنها و غريب‌اند نه سخن آنان را کسي مي‌شود و نه به آواي دلشان گوش مي‌دهد، مدرس سقراطي است که شوکران او غريبت و تنهائي او است، و چه بسيارند بزرگمردان قرون و اعصار که سپاه دست چهل جامعه با تولد افکار و اندیشه‌هاي حيات آفرين و سازنده‌شان آرام آرام شوکران غريبت را به جام زندگيشان مي‌ريزد، طبيعي است که چهل و خودنگري انسانها هميشه با اندیشه‌هاي نوبه ستيزه برخاسته و اين هم مسلم است که بالاخره مقهور آن شده و پس از سالها در مقابل آن سر تسليم فرود آورده است وليکن صاحب و مبدع همان اندیشه و تفکر زهر غريبت را قطره قطره در کام جان ريخته و هدف هزاران تير طعنه و

شما نت بوده است:

مي گويند مدرس هزار عيب دارد ولي تا مي آيد اين مدرس هزار عيبي پيدا شود دويست سيصد سال طول مي كشد.

6

و عجب اين كه هزار عيب را كساني به مدرس نسبت مي دادند كه باز بهتر از ديگران اورا مي شناختند يا از هم كسوتان او بودند و يا از همكاران پارلماني او وقتي انوارها، دولت آبادي ها، تدین ها، فرخ ها، مدرس را هزار عيبي بدانند معلوم است رضاخان و اربابان او چه نوع تفكر و نظري درباره اودادند، براستي تنهائي و غربت بيش از اين هم مي شود مجتهد جامع الشرايطي چون او در سخت ترين روزهاي پيكار و جانبازيش مورد حمايت حتي يكنفر از علماي بزرگ يا متوسط زمان خود قرار نگیرد در حلاي كه همه مي دانند هدف مدرس جز عظمت و حفظ اسلام و آزادي انساني نيست! سخن او است كه

بنده شخصاً بنا را بر اين گذاشتم كه دو چيز را مطمع نظر قرار دهم: يكي خلاف قانونهائي كه به اصول قوانين مسلمة مي شود، يكي هم آن چيزهائي كه سياست بر مي خورد و در آتیه و حاليه به ضرر مملكت است. 7
براستي مدرس جز اين دو كه پاسداري آن را تا پاي جان به عهده گرفته چه مي خواهد، او كه با يكي نان و متری كرباس زندگي خود را بر حصير فرسوده اي مي گذراند و حتي فرزندانش از حداقل معونه طبيعي محرومند و حتي حقوق دوره نمايندگي خود را به مؤسسات امور خيريۀ مي بخشند، چه مي خواهد؟ و تاريخ چگونه پاسخگوي اين سؤال است. در گزارش ارباب كيخسرو رئيس اداره مباشرت مجلس بند هفتم جلسه 12 ربيع الثاني 1333 دوره سوم مي خوانيم

هفتم - مبلغ نهصد و پنجاه و پنج تومان و نه ريال بابت حقوق آقا سيدحسن مدرس در صندوق اداره مباشرت مجلس مانده بود كه تصرف نمي فرمودند و در تاريخ بيست و دوم ربيع الثاني 1332 حواله فرمودند توسط آقاايان ميرزا محمدصادق طباطبائي و حاج امين الضرب به عنوان شركتخريه پرورش پرداخت شود و پرداخت شد. 8
افكار و اندیشه مدرس درست بخاطر همين كه پشتياز و قرني جلوتر از زمان اوست علت اصلي غربت و تنهائي او را موجب مي گردد و يكي از نمايندگان در جلسه علني مجلس به او مي گويد سيد به جدت فساد مي كني و اين درست رد زماني است كه مدرس اظهار مي دارد

عيب بزرگ و كلي اين بودجه اين است كه در آن هزينه تأسيس هواپيما و كارخانه ساختن آن در نظر گرفته نشده، جنگها دارد از زمين به هوا مي رود و مملكتي كه در فكر تأسيس كارخانه هواپيما سازي نباشد موجوديت آن در خطر است حتي اداره پست ما هم بايد براي حمل امانات و محمولات خود مجهز به هواپيما گردد. 9
بايد انصاف داد كه آيا كسي كه نماينده مجلس است و مدرس اين چنين را محكوم به ايجاد فساد مي كند اصلاً حرف و مقصد او را مي فهمد؟ گويند جمله ي «سيد به جدت فساد مي كني» تقصيري ندارد او تا انتهاي انگشت پاي خود را بيشتر نمي بيند، شعاع ديدش از چهارچوبه خشك محيط افكار خود جلوتر نمي رود مقصر اصلي خود مدرس است كه پرتو نگاه او قرون و اعصار را مي شكافد و دنيايي را مي نگرد كه 70 سال بعد و هم اکنون ما شاهد و ناظر آنيم و بارها هواپيماهاي دشمن شب و روز بر سر ما بمب ريخته اند، حالا ما سخن مدرس را در آنروز با اعجاب و شگفتي مي نگریم و آن نماينده تصور چنين زماني براي محال بوده است، مدرس فرزند قرون و اعصار بعد از خويش بود و ديگران زائیده زمان و مكان محدود به خود مي بودند، تفاوت او و ديگر كسان زمانش همين است و طبعاً چنين كساني در چنان عجيب و غريب است اگرما هم با همين لباس و ظاهر و باطن فعلي در زمان خواجه تاجدار مي بوديم طبيعي است كه در غربت و تنهائي مي مرديم و يا مردم آن روزگار قتل ما را واجب مي شمردند

از طرفي اصالت و ارزش خارق العاده اي كه مدرس به مردم و ملت مي دهد آن هم در زماني كه هنوز حكومت فئودالي و اشرافيت حاكم و قادر است وجود او را در ميان طبقات اشراف اعجاب انگيز و نگران كننده مي نمايد، مجتهد طراز اولي و نماينده مبرزي كه در يك اطاق محقر زندگي مي كند و با پيراهني از كرباس پاي پياده به كار سياست، درس، تأليف، كشاورزي، معماری و ... مي پردازد و يكباره از اندروني و بيروني و ما به ازاء آن صرف نظر نموده يك لاقبا همزانو و همدردمي است كه همه رنجه و د رها را تا عمق جسم و جان خود احساس مي كنند مشخص است كه براي دوله ها و سطنه ها نمي تواند قابل قبول باشد كداميك از طبقاتي كه مدرس در ذيل نام برده است مي توانند سخن شلاق گونه او را بشوند و چون خم مي نجوشند ملاحظه كنيد

تمام اين مقامات كه از سلسله هاي مختلف هستند از شاه و رئيس الوزراء و نمايندگان پارلمان، و حجت الاسلام، تمام اينها نوكر خلقتند، يكي اسمش شاه است يكي هم رئيس الوزراء، تمام اينها بايد نوكری مردم را بكنند من مي گويم پيغمبران خدا هم كه از همه بهترند نوكر خلقتند آنان را خدا براي خلقتش فرستاده است. 10

باور كنيد بنده اي كه بيش از همه جدم را مي شناسم و سي و پنج سال هم درباره او تحقيق و بررسي و كتاب و رساله نوشته ام باز هم از بيان مدرس مخصوصاً مورد آخري (پيغمبران نوكر خلق اند) بدتم مي لرزد و اين همه شجاعت ادبي و شعور و شهامت او براي هزاران مسئله ايجاد مي كند آن هم بعد از هفتاد سال پيشرفت علم و تمدن و روشن شدن بسياري از مسائل گوناگون بحث انگيز ولي او مي داند چه مي گويد مجتهد و صاحب نظر است و يك دوره كتابهايش در زمينه اصول و نظرات فقهي دليل عظمت مقام فقاقت او است. مدرس خود به خوبي مي داند و آگاه است كه براي درك مفاهيم و نظارتش بايد جامعه خويش را به سرعت به سطوح عالي فرهنگ و شعور سياسي اجتماعي برساند در اين مورد هم تكيه بر ترقي و تعالي معارف كشور دارد، توسعه حساب شده مؤسسات تعليم و تربيت را ملاك رشد فكر و اندیشه جامعه مي داند و تنها به علومي كه تا آن زمان متداول و در مدارس قديم و جديد تدريس مي شده اكتفا نمي كند، برخورداري و آموختن علوم را در هر زمينه اي و از هر كجا باشد توصيه و

:سفارش می‌کند. می‌گوید

.معارف يك ركن اعظمش دارالترجمه است

سال است که می‌شنویم از ایران می‌روند به اروپا و درس می‌خوانند، دکتر می‌شوند، دکتر یعنی مجتهد، یعنی 40 این شخص رفته و این علوم را تحصیل کرده و يك قوه استنباط در آن علم پیدا کرده، پس دکتر یعنی مجتهد، یعنی کسی که می‌تواند خدش تصنیف و تألیف کند، چرا اینان کتبی که در آنجا خوانده‌اند، اینجا ترجمه و منتشر نمی‌کنند که اولاد ایرانی محتاج نباشد، باید وزیر معارف کتبی که راجع به علوم و فنون است جمع کند علمائی را که در آن رشته استاد و تخصص دارند دعوت نماید و آن کتب را ترجمه نمایند تا علومی که محل احتیاج ما است و به وسیله آن مملکت رو به آبادانی می‌رود منتشر شود. 11

مکرر این مطلب را عرض کرده‌ام، باید تمام علوم و فنونی که به سوي مملکت جلب می‌شود و ما بدان نیازمندیم به لسان اهل این مملکت ترجمه شود و عمومیت پیدا کند، تا در این مملکت دارالترجمه تأسیس نشود و علوم و فنون و صنایعی را که محل احتیاج ما است ترجمه نکنند مملکت اصلاح نمی‌شود بلکه مالیه مملکت می‌رود، اخلاق مملکت می‌رود، ادبیات مملکت می‌رود این وظیفه وزارت معارف است که باید انجام دهد ولو اینکه هزینه آن هم بسیار سنگین باشد. 12

بسیاری از شرح حال‌نگاران و خاطره‌نویسان مدرس را انسانی پاکباز و صادق ولي جاه‌طلب و بی‌هدف تصور نموده‌اند، تصویری که این گروه از مدرس به دست می‌دهند قهرمان فداکاری است که بدون هدف خود را به آب و آتش می‌زند و به تنهائی با هر جریانی که طبق عقیده او نیست پیکار می‌کند، اگر مخالفین و دشمنان سرسخت او لحظه‌ای با نظراتش همراه و هماهنگ گردند تمام بدیهایشان را می‌بخشد. در خاطرات سیدمهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) چنین می‌خوانیم

مدرس مردی بود به غایت دلیر، با شهامت، پرجرات و بی‌باك سخنان او آتشین بود، وقتی در پشت تریبون مجلس، با ژستهای مخصوص سخن می‌گفت، مخالفین او نیز ساعت‌ها در پای خطابه او می‌نشستند و خسته نمی‌شدند اما يك چنین مرد بزرگوار و دلیری پای‌بند اصول و یا از لحاظ عقیده متکی به يك ایدئولوژی واحدی نبود، او تشنه‌ی قدرت بود و برای رسیدن به قدرت مدام به آب و آتش می‌زد، او علناً می‌گفت که هر کس جز او بیندیشد و جز فکر او فکری داشته باشد اشتباه کرده و به خطا رفته است فکر او چه بود؟

.هیچ، به خدا هیچ، بهر چیز و به هر کس که شما و من معتقدیم هیچ، او برنامه و نقشه معینی نداشت گذشته از اینکه در همین مقاله ما نگاهی کوتاه به اهداف و نقطه نظرات مدرس در پاره‌ای از موارد نمودیم باید این تنقید اندر تحمید را کمی مورد بررسی قرار دهیم تا برآستی غربت و تنهائی مدرس بهتر و بیشتر شناخته شود، خاطره‌نویس می‌گوید مدرس پای‌بند اصول و ایدئولوژی معینی نبود، اگر اسلام را بزعم فرخ ایدئولوژی و استقلال و آزادی انسانها اصول هستی ندانیم و تنها ضرب بازی و زد و بندهای سیاسی را مورد نظرو اصل مسلم سیاست قرار دهیم ممکن است اظهار نظر مرحوم فرخ در بعد دیگر نویسنده با دیگران عصر طلایی را بپذیریم و اگر توجه کنیم که خاطره‌نویس (فرخ) یکی از عوامل کودتای 1299 و یار کاخ سیدضیاءالدین و رضاخان است منظور از بی‌هدفی مدرس از نظر او برایمان کاملاً روشن می‌گردد، فرخ در مجلس نقطه مقابل مدرس و يك دوره هم اعتبارنامه‌اش با مخالفت مدرس روبرو و رد می‌شود لذا از نظر او کسانی پای‌بند اصول و دارای هدفند که رضاخان را بانی و ناجی ایران و ملت آن بدانند و غیر آنان همه بی‌هدف‌اند، بدیهی است که در این چنین دنیای فکرو اندیشه‌ای که مدرس و اساس و تشکیلات دیکتاتوری را مورد حمله قرار می‌دهد و از آزادی و استقلال و علوم و فنون آینده ملت و سرزمین خود سخن می‌گوید آنچنان قلمداد می‌شود که ملاحظه نمودیم در دوران تسلط کامل سیاست امپراطوری انگلستان به وسیله عامل پرفرود خود رضاخان بر ایران اگر کسی بگوید

تمایل سیاستها برای ما مضر است، عرض من متوجه شرق و غرب و شمال و جنوب است، ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد، ایرانی باید خودش ایرانی و سیاستش هم ایرانی باشد

ن چنین کسی که عالی‌ترین اهداف انسانی و مخصوصاً ایرانی را به همین سادگی و سلاست و استحکام بیان می‌دارد، بی‌هدف جلوه می‌کند، و کسانی صاحب هدف خواهند بود که دنباله‌رو حرکتی باشند که گام اول آن را سیدضیاء برداشته و رضاخان ادامه‌اش را به عهده گرفته است و چون همه نمایندگان بعد از کودتا راهی همین مسیرند مدرس غریب و تنها است. در اینجا برای نمونه‌های زنده‌ای از اهداف مدرس را در دوران زندگی سیاسی اجتماعی او داشته باشیم و خصوصاً تطبیق و مقایسه‌ای مطمئن و علمی از فعالیتها و نظراتش را به سادگی مورد دقت و بررسی قرار دهیم شماری از کار تحقیقی نوینی را که با استفاده از علم آمار بر روی سخنان مدرس در ادوار پنجاه مجلس شورای ملی انجام گرفته است خاطرنشان می‌سازیم بدیهی است که منظور از بررسی آماری استفاده از تکنیکها و ابزار و روش‌های متداول و مورد قبول علم آمار می‌باشد

جمع‌آوری اطلاعات ما براساس صورت جلسات مجلس شورای ملی دوره دوم تا ششم و معیار استخراج اطلاعات آماری هم به صورت سرشماری و هم نمونه‌ای مسئله مورد نظر است. کوتاه سخن اینکه می‌خواهیم بدانیم مثلاً در دوره ششم توزیع زمانی نطق‌های مدرس و شناخت نقاط تأکید و نظرات نوینی که او در طی دوره نمایندگی عنوان می‌کند تا چه اندازه پراکنده و فراگیر است و اینکه گفته‌ایم مدرس مرد روزگار است تا چه حد می‌تواند با توجه به نقطه نظراتش به اثبات رسد، تشریح کامل این تحقیق آماری و نتایج حاصله از آن را به طور دقیق به وقت دیگری می‌گذاریم و امید داریم موفق به انتشار آن گردیم ولی برای آن که در این مقال اهداف و وسعت نظرات این بزرگ مرد تاریخ را تا اندازه‌ای روشن نموده باشیم خاطرنشان می‌سازیم که: جدول ذیل يك نمونه‌گیری تقریبی از فعالیت‌های

سیاسی مدرس در جلسات رسمی و علنی مجلس شورای ملی است بدون محاسبه ساعاتی که با عنوان عضو کمیسیون و گاهی ریاست کمیسیون (عدلیه) در مجلس حضور داشته است
تعداد کل جلسات علنی مجلس شورای ملی 2 تا 6

1100

متوسط مدت جلسات بر حسب ساعت

2200

تعداد جلساتی که مدرس شرکت داشته

830

تعداد متوسط ساعاتی که مدرس حضور داشته

1660

تعداد ساعاتی که مدرس صحبت کرده

32/137

درصد ساعاتی که مدرس صحبت کرده

32/8%

لازم به توضیح است که از 270 جلسه‌ای که مدرس در مذاکرات علنی مجلس شورای ملی حضور نداشته، 200 جلسه آن مربوط به دوره دوم از زمان افتتاح است که او در اصفهان بوده و نماینده طارز اول علماً گردیده است و تا هنگامی که به تهران رسیده ماهها به طول انجامیده است 70 جلسه دیگر غیبت او به علت يك سفر به اصفهان و بستری بودن در بیمارستان به علت عارضه ذات‌الریه و ترور مشهور او می‌باشد.

چنانکه از جدول فوق که طبعاً از بررسی هزارها صفحه مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی از دوره دوم تا ششم به دست آمده و می‌تواند تقریبی تا 85% درصد مطمئن و لذا فعلاً کاری صددرصد دقیق نباشد، مشخص می‌گردد از هر یکصد ساعت جلسات مجلس 8 ساعت و 32 دقیقه آن را مدرس در حال سخن گفتن و نطق و بیان بوده است. گمان ما این است که در تاریخ پارلمان‌های دنیا فعالیت‌های این چنین فشرده نادر و بی‌سابقه است.

حالا بررسی کنیم که این مرد نادرا لوجود در سخنان خود بر چه مواضع و نقطه نظرانی تکیه داشته است اگر بخواهیم سرفصل کلیه مباحث و نظرات او را در پنج دوره نمایندگی‌اش عنوان کنیم حتی به طور فهرست‌گونه به قدری مفصل می‌گردد که از حوصله این مقاله خارج است ولی برای نمونه یکصد و پنجاه جلسه از دوره ششم را که مدرس کاملاً محدود و در مجلس کمتر اجازه سخن گفتن به او می‌داده‌اند بررسی می‌کنیم تا مشخص شود که آیا به تحقیق هدف و اصولی را که او مورد نظر داشته و همواره بر مجموعه آن تکیه می‌کرده چه بوده است؟ و آیا چنین کسی را می‌توان انسانی بی‌هدف و بدون برنامه قلمداد نمود از طرف دیگر با ارائه سرفصل‌های و موضوع‌های سخنان او زمینه‌ای برای شناخت افکار و اندیشه‌هایش نیز فراهم می‌شود و آنانی را که می‌خواهند درباره شخصیت واقعی او مطالعه و تحقیق نمایند و ابعاد مختلف و متنوع سخنانش را آشکار سازند می‌توانند کوتاه راهی را که بدینوسیله ایجاد گردیده در پیش گیرند. شاید بیان این نکته لازم باشد که صورت مذاکرات جلسات علنی مجلس شورای ملی از جلسه 1 تا 36 در آرشیو کتابخانه مجلس پیدا نبود و در دسترس ما قرار نگرفت در روزگاری که به جمع و تدوین سخنان و نطق‌های مدرس مشغول بودیم و با شتابزدگی و زحمات توانفرسائی موفق گشتیم این مجموعه را کامل نموده آماده چاپ و انتشار نمائیم صورت مذاکرات مجلس را از جلسه 12 تا 21 آن به خط اصلی پیدا شد ولی وقتی که ما بتوانیم طبق روش تحقیقاتی خود از آن بهره گیریم در اختیار ما نبود، لذا همانطوری که ملاحظه می‌شود عناوین و سرفصل‌های بیانات مدرس را از جلسه 50 تا 150 انتخاب نموده‌ایم و حقیقت آنچه استخراج گشته از یکصد جلسه علنی مجلس شورای ملی دوره ششم است.

سرفصل و موضوع سخنان مدرس از جلسه 50 تا 150 مجلس شورای ملی دوره ششم

موضوع مورد بحث شماره جلسه

نقش مردم در عمران و آبادی کشور 50

ایجاد کارخانه با سرمایه مردم و نظارت دولت 54

تعیین حدود و میزان قروض دولت به اشخاص 54

برنامه کار دولت‌ها 63

آزادی فکر و اندیشه 64

اختیارات دولت‌ها 64

ایجاد راه‌آهن 65

راه‌آهن و نقش آن در اقتصاد 65

موضوع مورد بحث شماره جلسه

حفظ و حراست سرمایه‌های مملکت 65

نگهداری راه‌آهن به وسیله متخصصین و تربیت متخصص 65

تربیت متخصص بانک‌داری برای استفاده در بانک‌ها 71

ارزش عالم با عمل 76

شرافت و ارزش پول 79
 ایجاد مدارس ابتدائی و متوسطه در روستاها 79
 تخصیص 5% بودجه معارف برای مدارس روستائی 79
 ایجاد کلاس سوادآموزی بزرگسالان (اکابر) 79
 تعیین اشل (رتبه کارمندان) و تعیین میزان حقوق آنان 79
 ایجاد جنگل - تبدیل اراضی بایر به جنگل 87
 آزادی گفتار 87
 اولویت بکارگیری متخصصین ایرانی 91
 ارزش دادن به علم و تخصص ایرانیها 91
 علل خانه‌نشینی صاحب‌نظران و دانشمندان و متخصصین ایرانی 91
 قروض خارجی 93
 شرایط قروض و نفی قرضه از دول خارجی 97
 تلگراف و تلفن دریائی 99
 توجه به زبان و ادب فارسی 99
 عدم تمرکز پزشکان در مرکز و وزارتخانه‌ها 99
 کارکردن به طور استاژ 99
 منابع سیاسی - اقتصادی تلگراف و بی‌سیم 99
 سفرا و مأمورین ایران در خارج 109
 وزارت امور خارجه و روابط با دول خارجه 109
 وطن‌خواهی ایران 115
 تطبیق جمع و خرج مملکت 115
 اصلاح و توسعه امور تجارت 115
 اهتمام در ترویج کشاورزی 115
 اصلاح و توسعه امور تجارت 115
 اهتمام در ترویج کشاورزی 115
 تکثیر محصولات قابل صدور 115
 تسهیلات در مورد ترانزیت 115
 ازدیاد مخصوص پنبه و ابریشم 115
 تأسیس بانک رهنی 115
 دادن امتیازات معادن به اهالی ایران 115
 پست و هواپیمائی 115
 بستن سدها 115
 خلع سلاح عمومی 115
 موضوع مورد بحث شماره جلسه
 استفاده از امتعه وطنی 115
 توسعه فلاح و جنگل 118
 بهره‌گیری از صاحب‌نظران 119
 تهیه خانه و مسکن مناسب و قابل سکونت برای - 121
 روستائیان و جنگل نشینان
 قدرت ملت و حاکمیت دولت 126
 احترام به مالکیت 129
 تعطیلات مجلس و مخالفت با آن 129
 کار و تخصص 137
 جوانان و علم و صنعت 137
 قانون 141
 شهرداری و برق و روشنائی 141
 شهرداری و شهرسازی (نقشه شهرها) 142
 شهرداری- انجمن شهر، انتخاب اعضاء انجمن شهر 142
 عایدات شهرداری - عوارض - گمرکات - صادرات - واردات 142
 ایرانیان خارج از کشور 145
 تشویق ایرانیان به بازگشت به وطن 145
 دین و شرافت - حیثیت و آزادی 145

با توجه به تنوع تراکم موضوع در مباحث، مدرس در این یکصد جلسه از دوره ششم معیاری دقیق به دست می‌آوریم که در 730 جلسه دیگری که در ادوار مجلس شرکت داشته چه مسائل مهمی را از قبیل هواپیمائی، مدرسه علوم سیاسی - قانون تشکیلات عدلیه - نظام آموزشی قشون (ارتش) ایجاد شبکه‌های آبرسانی در سراسر کشور حدود و مرزهای مملکت - سیاست و سیاست‌گذاری و مورد بحث و اظهار نظر قرار داده و برای هر کدام طی شرح و بسطی مفصل و مستدل کوشش نموده است که ملت و نمایندگان را به وظیفه مهمی که بعهد دارند آگاه ساخته و دولت را بیدار و هشیار سازد که در اندیشه آینده مملکت و ملت ایران باشند.

استیضاح مدرس ازدولت مستوفی الممالک مرد پاکدامن و بزرگوار ایران دلیل روشنی بر این جریان فکری او است، که در نطق تاریخی فلسفی خود اصولی را مطرح می‌کند که اگر دولت‌ها پایه و اساس برنامه خود را بر آن می‌نهادند شاید نیم قرن بار سنگین و کشنده دیکتاتوری رضاخان و اعقابش را بر دوش ناتوان خود نمی‌کشیدند، و بقول او گرفتار مشروطه رسیده و وکلای نرسیده نمی‌شدند، آزادی و ارزش‌های انسانی را به معنی واقعی خود احساس و لمس می‌کردند و چه وصف‌الحال اوست کلماتی که بر برگي زرد و رنگ پریده نقش بسته: و آخرین ورق‌های متعدد یادداشت‌هایش را تشکیل می‌دهد.

تاریخ نقش بسیار مهمی به عهده دارد و آن این است که مردان بزرگ و نوابغی را که در زمان حیاتشان غریب و تنها بوده‌اند پس از مرگ با نسل‌های آینده آشنا و دوست نماید.

در پایان این گفتار باید به این مهم نیز اشاره کنم که اگر بنابر آن است که مدرس الگوی مردان علم و عمل قرار گیرد و اگر برآستی تاریخ سرزمین ما او را برانزده این عظمت می‌شناسد، باید افکار و اندیشه‌های او در تمام ابعادی که نقطه نظراتش را تشکیل می‌دهد به وسیله محققین توانا جمع‌آوری و طبقه‌بندی شود و مشخص گردد نظرات او در زمینه‌های اداره جامعه و ترقی و تعالی انسانها تا چه اندازه قابل اجرا است و از آنچه می‌توان در حال حاضر به مرحله اجرا درآورد و تضمین کننده سعادت و سلامت انسانهاست کدام است و آن قسمت که باید دراز مدت عملی گردد چگونه باید در دست اجرا قرار گیرد. و اصولاً تا چه اندازه فلسفه قدرت و حاکمیت مطابق عقیده او تاکنون عملی گشته و یا در دست انجام می‌باشد باید دید آیا واقعاً میسر است که دین و سیاست را به گونه‌ای تلفیق و هماهنگ سازیم که هیچ‌کدام موجب تضعیف دیگری نگشته و توأمان عامل محرک ملل به سوی توسعه و پیشرفت و همگام ترقی و تعالی ملت گردد و آیا به راستی فلسفه موازنه عدمی و وجودی او به همان معنی و مفهومی که او ارائه می‌دهد قابل اجرا هست یا نه؟ او برای هر مسئله‌ای از مسائل و مشکلات زندگی راه‌حلی ارائه داده و مخصوصاً وظایف حکومت و اداره کنندگان جامعه را به خوبی مشخص و معین نموده است، بنابراین حالا که طبق مقتضیات زمان فرصت‌های مناسبی به دست آمده تا بتوانیم این شخصیت بزرگ تاریخ سرزمین خود و نابغه جهان اسلام را بشناسیم عالی‌ترین راهی که ما را به این منظور و مقصود می‌رساند شناخت کامل تفکر و اندیشه او است، تا برایمان میسر گردد مدرس واقعی را به همان صورت و راه و روشی که داشته بشناسیم و به جامعه خود معرفی نماییم و گرنه با صدها کتاب و نطق و خطابه و عکس و تفصیلات به شناخت او موفق نخواهیم شد و او همچنان غریب و تنها خواهد ماند.

مآخذ

نقل از یادداشت‌های خصوصی مدرس 1.

از سلسله خاطرات دکتر محمدحسین مدرس (خواهرزاده مدرس) و کتاب مدرس شهید نابغه ملی ایران نوشته 2.
علی مدرس

نقل از مآخذ شماره 1. 3.

جمله‌ای از نطق مشهور مدرس در مجلس چهارم 4.

مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه 52 روز شنبه 13 شعبان 1333 دوره ششم 5.

مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ششم نطق معروف مدرس در مورد کابینه مخبرالسلطنه هدایت 6.

مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه 4 پنجشنبه 22 ذیقعه 1339 دوره سوم 7.

گزارش مالی اداره مباحثت مجلس شورای ملی در جلسه 4 روز پنجشنبه 133 دوره سوم 8.

قطعه‌ای از نطق تاریخی مدرس در مجلس پنجم به اختصار درباره بودجه ارتش 9.

(مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه 31 روز سه‌شنبه پنجم میزان 1300 (16 صفر 1340 دوره سوم 10.

11. مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه 33 روز یکشنبه 21 صفر 1340 (30 میزان 1300 دوره سوم) جناب آقای .
ساجدی به نظر می‌رسد تاریخ 10 میزان درست باشد نه 30
12. مآخذ شماره 10 خاطرات سیدمهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) جلد اول و دوم، صفحه 12، انتشارات امیرکبیر .
یاد» نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، سال هفتم، پاییز 1371«:منبع

این مطلب تاکنون 2042 بار نمایش داده شده است